

جلسه یکصد و هشتاد و هفتم
صورت مشروح مجلس
سه شنبه نهم تیر ماه مطابق
هشتم ذیحجه سنه ۱۳۴۴

مجلس ۳ ساعت قبل از ظهر برپاست
آقای حسین خان پیرنیا تشکیل گردید.

صورت مجلس یکشنبه هفتم
تیرماه را آقای آقامیرزا شهاب
قرائت نمودند

رئیس- آقای تقی زاده
(اجازه)

تقی زاده- قبل از دستور عرض دارم
رئیس- آقای دکتر محمدخان مصدق
دکتر محمدخان مصدق- قبل از دستور
عرض دارم

رئیس- آقای شوشتری
(اجازه)

شوشتری- قبل از دستور
رئیس- آقای آفاسید یعقوب
آفاسید یعقوب- بنده جلوتر از همه
اجازه خواستم ولی دیرتر از همه بنده را
نوشته اند منذلك قبل از دستور عرض
دارم

رئیس- آقای شیروانی
(اجازه)

شیروانی- قبل از دستور
رئیس- آقای نظامی
(اجازه)

آقامیرزا عبداللّه خان نظامی- بنده هم
قبل از دستور
رئیس- آقای رضوی
(اجازه)

رضوی- بنده هم قبل از همه اجازه
خواسته بودم آخر همه بنده را نوشته اند.
بنده هم قبل از دستور عرض دارم
رئیس- در صورت مجلس اعتراضی
نیست.

آقای شیخ عبدالرحمن- بنده عرض
دارم.
رئیس- بفرمائید

آقا شیخ عبدالرحمن- بنده در جلسه
قبل برای کار لازمی کسب اجازه کرده بودم
و پس از آنکه آن کار صورت گرفت در
آخر جلسه بمجلس حاضر شدم منذلك بنده
راجز غائبین نوشته اند.

رئیس- از کمیسیون کسب تکلیف و بعد
اصلاح میشود.

آقای تقی زاده
(اجازه)

تقی زاده- عرضی که بنده خواستم بکنم
راجع بانتشاراتی است که تقریباً از ۱۰ روز
قبل باین طرف در جرائد منتشر شده است
در خصوص تلگرافاتی که راجع بمعاملات
اسلحه که در ژنو واقع شده است رسیده
است.

این تلگرافات که بطور اختصار بود
از آنها این طور استنباط میشود که مطالبی

که در آنجا حل شده است کاملاً مطابق مقصود
نمایند گان ایران واقع نشد و نمایندگان ایران
راضی نبوده اند. حتی تلگرافات حاکی است که
نمایندگان ایران عهدنامه بین المللی را امضاء
نکرده و از مجلس خارج شده اند. اگر چه
اطراف مسئله برای بنده شخصاً روشن
نیست و بیش از آنچه که در جرائد منتشر
شده است چیزی مسبق نیست ولی چون
راجع باین مسئله در افکار عامه يك نگرانی
موجود شده است

نمایندگان- صحیح است

و شکی هم ندارم که نگرانی آقایان
نمایندگان در مجلس کمتر از نگرانی مردم
در خارج مجلس نیست

نمایندگان- صحیح است

تقی زاده- لهذا با وجود اینکه اطراف
مسئله روشن نیست ولی این نکته که نمایندگان
ایران از مجلس خارج شده و عهدنامه را
امضاء نکرده اند (چون مایک نمایندگان معتمد
علیه در آنجا داریم) ثابت می کنند که
مسئله قابل جدیت مخصوصی است و لازم
است نمایندگان ملت در این باب
توجه مخصوصی داشته باشند

(صحیح است) و بنده یقین دارم اگر
مجلس در این مدت قلیل سکوت کرده و
در این خصوص اظهاری نکرده است برای
این بوده است که می خواسته اند اخبار
بیشتری برسد و اطراف مسئله روشن شود
نه اینکه نگرانی که در خارج هست در این
جانب بوده بلکه در اینجا بیشتر بوده است حالا
گمان میکنم وقت آن رسیده باشد که اگر
مجلس صلاح بداند از آقای وزیر امور
خارجه تقاضا شود که تشریف بیاورند و
توضیحات مقتضی در این باب در مجلس یاد
کمیسیون خارجه بدهد. اگر در این باب
بنده اظهاری می کنم فقط برای این است
که آلت اظهار احساسات نمایندگان مجلس
واقع شوم و مکتوبات قلمی عموم آقایان را
بزبان بیاورم و شکی ندارم که فرد فرد
آقایان همین مکتوبات و همین تقاضا را
دارند

نمایندگان- صحیح است

رئیس- برای استحضار خاطر آقایان
عرض میکنم که از طرف جمعی از نمایندگان
سئوالی از آقای وزیر امور خارجه شده
بنده هم به ایشان ابلاغ کرده ام البته برای
دادن جواب حاضر خواهد شد

آقای دکتر محمدخان مصدق
(اجازه)

دکتر محمدخان مصدق- بنده هم
میخواستم در همین زمینه که نماینده محترم
آقای تقی زاده بیان فرمودند عرض بنمایم و
لازم می دانم نسبت بفرمایشاتی که ایشان
فرمودند قدری توضیح بدهم در روزیک
شنبه سی و یکم خرداد که مطابق بود با
درج اخباری که در جرائد راجع بمذاکرات

کنفرانس منتشر شده بود بنده در مجلس
آدمم در خارج مجلس تمام آقایان نمایندگان
را بحالت تأثر و غم و الم دیدم بعد يك نفر از
آقایان محترم اظهار کرد که از پاریس
تلگراف تبریکی برای موقیت اعضا
کنفرانس بیکی از نمایندگان محترم رسیده
است. این خبر تا حدی در بعضی از آقایان
نمایندگان محترم اثر خوشی کرد و بنده
لازم دانستم که خودم آن تلگراف را
ملاحظه کنم و از نماینده محترم تقاضا
کردم و تلگراف را گرفتم و قرائت کردم
ولی درست بر بنده معلوم نشد که این تلگراف
مربوط بموقیت هائی است که نمایندگان
دولت در قرارداد سن ژرمن تحصیل کرده
اند یا مربوط بموقیت هائی است که بعد از
این قضایای اخیر در جرائد شده حاصل شده
است روز سه شنبه گذشته هم بنده خواستم
در این باب

عریضی بکنم چون نوبت بنده نرسید عرض
نکردم.

ظن قوی دارم که اگر شخص محترم
رئیس دولت در طهران تشریف داشتند تا-
کنون این عمل هم مثل قضیه سن ژرمن که
بمنفع دولت ایران تمام شد تمام می شد و امروز
اخبار خوشی در این موضوع بما می دادند و
متأسفانه شخص رئیس محترم دولت امروز
اینجا تشریف ندارند ولی با انتظاری که
همیشه ما بجذیت ایشان داریم امید داریم
وقتی که تشریف آوردند شخصاً اقدامات
لازمه بفرمایند و با اعتمادی که ما بدولت و
نمایندگان دولت داریم لازم میدانم که
کمیسیون خارجه بانمایندگان دولت
طرف مذاکره شده و نمایندگان کان را (که
جز اخباری که در جرائد منتشر شده اطلاع
نداریم) کاملاً از حقیقت مطلب مطلع
فرمایند.

ما همه وطن خودمان را دوست داریم
و همه در مصالح مملکت کوشش داریم و هر
وقت که واقعه واقع شده و فی الجمله خدشه
نسبت بمصالح مملکت واقع شده همیشه بایک
جدیتی در مصالح مملکت اقدام کرده ایم و
امیدوارم در هر قضیه که واقع شود ما اقدامات
خودمان را بکنیم و خداوند هم بما کمک
کند.

جمعی از نمایندگان- دستور.
رئیس- وارد دستور شویم؟
آقا سید یعقوب- اگر کسی بخواهد
حرف دیگری بزند نباید بگوید.

رئیس- خیر کمیسیون فوائد عامه
راجع بر راه بندر جز جز مطرح است ماده سوم
قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت میشود)

ماده سوم- صاحب امتیاز متعهد میشود
که از تاریخ مبادله این قرارداد در ظرف
سال اول شروع بعملیات راه سازی نموده و
منتهی تا مدت سه سال بعد از تاریخ مبادله
قرارداد راه مزبور را با تمام برسانه و سواکی اگر

وزارت فوائد عامه بیش از دو ماه تصویب
نقشه مذکور در ماده دوم را بتأخیر بیندازد
مدت اضافی بر سه سال مسوب خواهد
شد.

رئیس- مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان- خیر.

رئیس- رأی گرفته میشود بنده دوم
آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام
فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد.

ماده پنجم.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۵- هر گاه قبل از شروع بعمل یا
در ضمن اشتغال بآن صاحب امتیاز تصور
نماید که بواسطه وجود فورس مازور شروع
بساختن راه مزبور یا ادامه آن ممکن نیست
باید کتیباً مراتب را بوزارت فوائد عامه با ذکر
دلایل کافی اطلاع دهد.

وزارت خانه مزبوره منتهی در ظرف
يك ماه بعد از وصول مراسله صاحب امتیاز
وجود فورس مازور را کتیباً تصدیق یا تکذیب
می نماید.

در صورت اول بنسبت مدتی که
فورس مازور برقرار است بر مهلت شروع بکار
یا اختتام آن افزوده خواهد شد.

چنانچه در مجموع مدت امتیاز قوه قهارة
(فورس مازور) بیش از یکسال مانع استفاده
صاحب امتیاز شود و مورد تصدیق دولت نیز
واقع گردد مدت اضافه بر یکسال بر مدت
امتیاز افزوده خواهد شد.

رئیس- ماده پنج مخالف دارد یا
نه؟

يك نفر از نمایندگان- خیر.

رئیس- رأی گرفته می شود آقایانی
که ماده پنج را تصویب می کنند قیام
فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد. ماده یازده
قرائت می شود.

(اینطور خوانده شد)

ماده ۱۱- صاحب امتیاز مجاز است
که پس از ساخته شدن نصف هر يك از راهها
بطوری که وزارت فوائد عامه تصدیق نماید
حق العبوری متناسب با تمام تعبیرات راه
و اداری آن مطابق تعرفه که با موافقت
وزارت فوائد عامه تنظیم خواهد شد برای
عبور از قسمت ساخته شده دریافت دارد ولی
میزان حق العبور به جهت از حق العبور
طرق شوسه دولتی تجاوز نخواهد کرد.

تبصره- ساکنین دهات اطراف راه
برای سیر و فرسوخ در راه مزبور تأدیبه حق
العبور معاف خواهند بود.

رئیس- آقای نظامی.

(اجازه)

آقامیرزا عبداللّه خان نظامی- بنده در
ماده یازده يك پیشنهادی تقدیم کرده بودم

ومخالف هم نیستم فقط يك اصلاح عبارتی دارم .

در اول ماده مینویسد : « ساکنین دهات البته آقایان تصدیق میفرمایند که ساکنین دهات حق العبور نخواهند داد و هیچ مانعی ندارد که اضافه شود .

دو اب ساکنین دهات اطراف راه راه در قسمت دوم هم که نوشته شده است برای سیر دوفرسخ در راه مزبور از تأدیبه حق - العبور معاف خواهند بود .

خوبست علاوه شود در هر راه دارخانه که اسباب زحمت برای ساکنین فراهم نشود و پیشنهادهای هم تقدیم کرده ام که بعضی آقایان میرسد

رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

دامغانی - اصلاح عبارتی که آقای نظامی در نظر داشتند گمان میکنم مورد نداشته باشد

زیرا حق العبور را ساکنین میدهند برای دو اب خود . دو اب که حق العبور نمی دهند .

علاوه این مسئله واضح است و از قبیل واسطوالتقریه است یعنی اهل قریه .

ساکنین دهات حق العبور میدهند برای دو اب والا خود دو اب که حق العبور میدهند نیستند

ولی نظری که بنده در این تبصره دارم اینست که از بندرج تا دامغان یا تا ستر آباد یکی هفت فرسخ و یکی هجده فرسخ راه است و بنده هم تصدیق میکنم که ساکنین اطراف این راه برای حواجی شخصی در هر موقع عبور از این راه باید از پرداخت حق العبور معاف باشد

ولی در موقع حمل و نقل مال التجاره باید حق العبور را بدهند زیرا اگر دو فرسخ دوفرسخ معاف باشند همه طول راه که هفت فرسخ است ممکن است دو نفر تبادل کنند یکی بیاید مال التجاره را دو فرسخ بیاورد ببنیاد و دیگری ببرد منزل و این باعث خسارت برای صاحب امتیاز میشود ولی اگر ساکنین اطراف راه برای حواجی شخصی تا دوفرسخ در این راه عبور کنند باید معاف باشند

ولی اگر بخواند مال التجاره واردو صادر کند باید حق العبور را بپردازد و اگر معاف باشند تصور میکنم لطمه باین راه وارد آید و حق العبوری هم در بین نخواهد بود پیشنهادهای هم عرض کرده ام

مغیر - بنده گمان میکنم که آقای دامغانی موافقت و ایستای هم بعد از یک مخالف اظهار عقیده میکنند

لیکن ایشان مخالف بودند بلکه مخالفت

این احتمالاً اینکه آقای دامغانی داوند البته صحیحست و طریق احتمالی را نمیشود سردر کرد

اگر ایشان یکی از طرق احتمالات را بیان کردند ممکن بود مثلاً اگر بنده میشدم چندین احتمال دیگر هم اظهار دارم .

اینجا بطور کلی مائل شده ام که ساکنین دهات اطراف این راه اگر زیك دهی بده دیگر برود با دو فرسخ معاف باشند .

شما میفرمائید ممکن است جمیع اهالی دهات اطراف را تباری کنند برای عبور دادن چند بار

البته تصدیق میفرمائید برای این تباری سابقه فصلی لازمست که از این ده ببرد بده دیگر و از آنجا دیگری بیاید ببرد بده دیگر تا بمقصد برساند

این کار طبیعی نیست و عادتاً هیچوقت چنین اتفاقی نخواهد افتاد و مطلب هم خیلی مکشوف و واضح است و مقصود اینست که اهالی بین راه آزادانه بتوانند عبور و مرور کنند .

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - بنده عقیده ام این است که عبارت قانون هر چه صراحتش بیشتر باشد بهتر است آقای دامغانی و آقای کازرونی فرمودند مخالف بودند در قسمت آخر شاید مخالف بودند ولی در قسمت اول بتوانان موافق حرف زدند و داخل کردند مطلب را در ادبیات و بنده عقیده ام اینست که عبارت قانون نباید ادبی باشد یعنی چیزی درش معنی و مستتر باشد

البته در ادبیات و در عبارات برای فصاحت و بلاغه ممکن است یکی کلمه معنی و مستتر باشد

ولی عبارت قانون را عقیده دارم که باید بصراحت نوشت بهتر است دلیل هم فرمایش خود آقای دامغانی است

برای اینکه در تبصره يك عبارتی فرمودند که ساکنین اطراف راه معینش اینست که دو اب ساکنین اطراف راه کان میخواستند بفهمانند که دو اب در اینجا مستتر است و بعد در تعبیری که فرمودند اینطور فرمودند که عبارت طوری ادا شود که معینش این است که دو اب و چیزهایی که میخواهند حمل و نقل کنند آنها معاف باشند و از آن ها حق العبور بگیرند و همین فرمایش حاکی است که از این عبارت بالصراحت چیزی فهمیده نمیشود .

بنده با آن فرمایش اولشان مخالفم زیرا عبارت باید بالصراحت نوشته شود که در موقع عبور دو اب ساکنین اطراف راه باید ازدادن حق العبور معاف باشند یعنی همان عبارتیکه آقای نظامی فرمودند همان طرز نوشته شود .

اما در فرمایش بعدشان که فرمودند اگر چنانچه ساکنین اطراف راه تادو فرسخ معاف باشند کسیکه امتیاز گرفته است استفاده نمیرسد بده بده عقیده بنده اولاً دو

فرسخ هم کم است و باید سه فرسخ باشد و تقریباً این اندازه حریم خانه اهالی اطراف می شود و اگر بنا باشد از آن استفاده نکنند چیز غریبی میشود

با اینکه خود آقای اهل آنجا هستند و اهالی شهر آقا از این حیث بیشتر استفاده میکنند و از حقیر هم ذینفع ترند عقیده دارم ایشان مخالفت نکنند و دوفرسخ هم کم است باید سه فرسخ باشد و بالصراحت هم نوشته شود دو اب ساکنین راه

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در این ماده عرضی ندارم .

مذاکرات هم کامی است

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - عرضی ندارم بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیش نهاد آقای نظامی قرائت میشود .

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده - پیشنهادهایم تبصره ماده یازده بترتیب ذیل اصلاح شود

تبصره - دو اب و احشام ساکنین دهات اطراف راه برای سیر در هر راه دارخانه در فرسخ از تأدیبه حق العبور معاف خواهند بود .

مغیر - بنده فقط می توانم يك قسمت پیش نهاد ایشان را قبول کنم دو اب ساکنین دهات اطراف را قبول می کنم ولی بقیه را نمی توانم بپذیرم .

رئیس - آقای نظامی (اجازه)

آقا میرزا ابدالله خان نظامی - هر کس در فن خودش بصیر است . بنده مکرر در مکرر در خط شوشه قزوین دیده ام و بسر خودم کسان آمده .

کندم را که به آسیا می برده اند در سریل که یک چوب درازی در آنجا گذاشته اند جلوالاعش را می گیرند که دو قران یا یک قران یا ده شاهی بده هر چه داد و فریاد کند که می خواهم با آسیا بروم اصلاحیه امت نمیدهند .

در صورتی که این راه دارخانه در تحت نظر دولت است .

بلی بنده هم خیلی میل دارم در همه راه ها از تأدیبه حق العبور معاف باشند ولی این می شود این جمع بین الضدین است . می فرمایند گمان میکنم صاحب هم راضی اطراف راه فراهم شود .

اغلب دهات اطراف بندر کاری دارند وقتی که می خواهند از این طرف برود آن طرف زراعت کنند چوب کدائی که آقایان ملاحظه فرموده اند جلو اتومبیل را می گیرند آنجا حاضر است جلوش را می گیرند هر چه داد و فریاد

و رئیس - رأی گرفته می شود به قابل توجه بودن پیش نهاد آقای نظامی . يك نفر از نمایندگان - پیش نهاد مجدداً قرائت شود .

(شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این پیش نهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

(اغلب برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد . آقای بیات پیش نهاد جنابعالی خوانده شود

مرتضی قلیخان بیات - چون این پیش نهاد قابل توجه شد بنده پیش نهاد خود را مسترد می دارم .

رئیس - پیش نهاد آقای سهراب زاده چطور ؟

سهراب زاده - بنده هم مسترد می دارم .

رئیس - پیش نهاد آقای دامغانی (شرح ذیل قرائت شد)

در تبصره ماده « پیش نهادی کنم بعد از جمله معاف نخواهید بود نوشته شود »

(مشروط باین که معمولات آنها مال التجاره صادر بخارج یا وارد از خارج نباشد

مغیر - بنده قبول میکنم .

رئیس - ماده مراجعه می شود به کمیسیون .

شیروانی - بنده باین پیش نهاد مخالفم .

رئیس - مغیر قبول کردند . ماده مراجعه می شود به کمیسیون وقتی که از کمیسیون برگشت بمجلس در موقع رأی قطعی آن وقت مخالفت کنید .

تبصره ماده پنج که فراموش شده بود قرائت شود ماده شش می شود .

وزیر و موافق عامه - اجازه میفرمائید؟ این پیش نهاد که آقای مغیر قبول کردند بر میگردد بکمیسیون

رئیس - بلی

وزیر فوائده عامه - زیرا خود این پیش نهاد قابل قبول نیست .

رئیس - تبصره ماده پنجم بمعنوان ماده ششم قرائت می شود .

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ششم هر گاه وزارت فوائده عامه در ظرف یکماه در مورد فرس مازرجوایی صاحب امتیاز نهاد سکوت راصاحب امتیاز بمنزله قبول تلقی خواهد نمود .

رئیس - مخالفی ندارد

بعضی از نمایندگان - خیر .

رئیس - رأی می گیریم . آقایانی که این ماده را تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده بیست و شش قرائت می شود .

(اینطور خوانده شد)

ماده بیست و ششم - صاحب امتیاز بدون تصویب مجلس شورای ملی حق شرکت با اتباع خارجه نخواهد داشت .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این ماده را آقای تدین پیش نهاد کردند و مجلس هم قابل توجه دانست و آمد بکمیسیون . بنده دوسه ماده را بر عرض آقایان می رسانم و حکمیت را هم بخود آقای تدین واگذار می کنم که با روح آن مواد که گذشته است در نقطه نظر علم و فوهم آن مواد ببینم این ماده قابل قبول هست یا نه

حالا بنده عرض می کنم از بیانات آقای وزیر فوائده عامه همچو معلوم بود که این راه عبارت از بندرج بندامغان و بندرجز با ستر آباد باشد این راه فوق العاده محل توجه دولت و اعضاء کمیسیون فوائده عامه بوده است باین معنی که بقدر قوت توانائی ملاحظه این راه را از هر جهت . از نظر سیاست و نظرهای دیگر در تحت نظر داشته اند .

حالا برای خاطر اینکه آدم مار گزیده از رشته سیاه و سفید می ترسد بوده است یا برای چیز دیگر در حال اعضاء کمیسیون کاملاً مسئله راه بندرجز و ستر آباد را در تحت نظر داشته اند بواسطه سوابقی که همه ما داریم و بنده حالا نمی خواهم تکرار کنم از این جهت بنده عرض میکنم برای اینکه در عبارت مواد يك چیزی نباشد که موهم برای یکرور سیاهی واقع نشود بقدر امکان در کمیسیون مواد را تحت نظر گرفته و بقدری که ممکن بوده است از این مسئله احتراز جستیم که خدای نخواسته یکوقت در وادی هولناکی نیفتیم .

حالا مسئله را که از راه علمی خواستم خدمت آقای تدین عرض کنم این است که در ماده اول می گوید مجلس شورای ملی مالک این امتیاز است و این مالک امتیاز را اجازه می دهد سی ساله با آقای هلی قلی خان مسعود الملک . سی حق استفاده و مالکیت این امتیاز در ظرف سی ساله با اجازه مجلس شورای ملی داده شد به مسعود الملک .

موجر کی هست؟ مجلس شورای ملی مستأجر کسی هست؟ مسعود الملک . اینجا دیگر واسطه در بین نیست مجلس این حق را باو می دهد .

بعد در ماده ۶ میگوید این امتیاز به هیچ نحوی از انحاء قابل انتقال نیست . یعنی مجلس حق خودش را منتقل بیک نفر داخلی میکند و همان مجلس هم قانون می گذراند که این امتیاز قابل انتقال نیست .

حالا اگر با اجازه مجلس بخواند این را منتقل کند چه میشود؟ معنی این می-

شود که این حق که مجلس بمن داده بود این حق متزلزل است یعنی اینکه مسعود الملک که مالک این حق بود نصف این حق میبخواهد از این برود دیگر مالک مسعود الملک نیست و بر میگردد به همان مالک اولش مسعود الملک از طرف مجلس مالک این حق شد که غیر قابل انتقال باشد اگر بخواند انتقال بدهد باید ول کند بدهد مجلس شورای ملی در تحت نظر بگیرد يك امتیاز دیگر بقیه ایران بدهد .

مسعود الملک باشد یا غیر او باشد از نقطه نظر فوهم ماده و فوهم مسئله می خواهم عرض کنم این حق مال مجلس است بعد که داد باو او دیگر نمی تواند بدیگری منتقل کند و اصلاً نمیتواند اشتراک بکند تا اینکه اجازه مجلس باشد اگر بخواند این کار را بکند حقتش از بین می رود بر میگردد بمالک اولش مالک اول باید تأسیس شرکته بکند این بود آن نقطه نظر اساسی که کمیسیون و وزیر در تحت نظر گرفته بودند .

بهر جهت از نقطه نظر علمی این مسئله تحت نظر ما آمد حالا بسته بنظر مجلس است و هر طور مجلس حکم کند همانست ولی آن چیزی که بنظر بنده آمد عرض کردم کمیسیون هم با اکثریت رأی داده فقط بنده و آقای مغیر مخالف بودیم و رأی ندادیم از این نقطه نظر بود حالا رفع شبهه بنده بشود عرضی ندارم

رئیس - آقای رضوی (اجازه)

رضوی - بنده میخواستم اضافه کنم که پس از اتباع خارجه يك اتباع داخله هم اضافه کنند چون بنده اینطور بنظر می رسد که ممکنست یکی از اتباع داخله شنبه لدا عقیده ام این است اتباع خارجه و داخله بدون تصویب مجلس حق شرکت در این امتیاز را نداشته باشند .

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اولاً آقای آقا سید یعقوب تصور کردند که اگر یک پیشنهادهائی در مجلس می شود از نقطه نظر سوء تعبیر نسبت به رابرتی که از کمیسیون به مجلس می آید یا خدای نکرده توهینی است بطرفداران آن اینطور نیست .

مجلس شورای ملی وضع شده برای اینکه مسائل تحت بحث و شور گذاشته شود و هر يك از نمایندگان با کمال بی طرفی آنچه بنظرش میرسد بر عرض مجلس برساند و حکومتش با مجلس است بنده این پیش نهاد را که کردم مقصود این نبود که خدای اعضا کمیسیون نفهیده اند بلکه يك پیش بینی کردم و شاید از نظرشان افتاده است و این يك احتیاطیست زیرا همانطور که آن روز عرض کردم در ماده شش اجازه داده می

شود صاحب امتیاز که بر طبق قوانین مملکتی ایران با اتباع خارجه شرکت کند و این ماده را هم صاحب امتیاز قبول میکند بنا بر این بعد از تصویب این قانون صاحب امتیاز مجاز است بر طبق قوانین ایران با اتباع داخله شرکتی تأسیس بکند و ماده هفت مسعود الملک از طرف مجلس مالک این حق شد که غیر قابل انتقال باشد اگر بخواند انتقال بدهد باید ول کند بدهد مجلس شورای ملی در تحت نظر بگیرد يك امتیاز دیگر بقیه ایران بدهد .

مسعود الملک باشد یا غیر او باشد از نقطه نظر فوهم ماده و فوهم مسئله می خواهم عرض کنم این حق مال مجلس است بعد که داد باو او دیگر نمی تواند بدیگری منتقل کند و اصلاً نمیتواند اشتراک بکند تا اینکه اجازه مجلس باشد اگر بخواند این کار را بکند حقتش از بین می رود بر میگردد بمالک اولش مالک اول باید تأسیس شرکته بکند این بود آن نقطه نظر اساسی که کمیسیون و وزیر در تحت نظر گرفته بودند .

بهر جهت از نقطه نظر علمی این مسئله تحت نظر ما آمد حالا بسته بنظر مجلس است و هر طور مجلس حکم کند همانست ولی آن چیزی که بنظر بنده آمد عرض کردم کمیسیون هم با اکثریت رأی داده فقط بنده و آقای مغیر مخالف بودیم و رأی ندادیم از این نقطه نظر بود حالا رفع شبهه بنده بشود عرضی ندارم

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب - موافقم .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافیست

رئیس - رأی میگیریم بماده بیست و شش که حالا بیست و هفت می شود آقایانی که تصویب قیام فرمایند .

(جمعی برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده دیگر . (ماده بیست و نه بشرح ذیل خوانده شد)

بیست و نه - تاریخ اجرای ماده بیست و شش از ابتدای شروع به ساختن راه خواهد بود .

وزیر فوائده عامه - چطور؟ ماده بیست و شش چه (ماده ۲۹ و ماده ۲۶ مجدداً قرائت شد)

وزیر فوائده عامه - صحیح است .

رئیس - رأی گرفته میشود . . .

آقا سید یعقوب - این مخالفت ندارد؟

رئیس - اظهاری که نشده است .

آقا سید یعقوب - بنده اسمم را نوشته ام .

رئیس - شما در ماده بیست و پنج و بیست و شش مخالف بودید و نوشته اید .

آقا سید یعقوب - همین ماده بیست و

پنج است که حالا بیست و شش شده است و بنده هم مخالف اسم را هم نوشته ام اگر چه رأی خواهند داد ولی مخالف حرفش را بزند.

رئیس - بفرمائید.
آقاسید یعقوب - بنده عرضم را از نقطه نظر مطالب علمی می گویم بعد اگر اکثریت رد کند.

دست شیب - صحیح است.
آقاسید یعقوب - بلی صحیح است آقای دست غیب این جا مسئله کسود دیگر است.

(خنده نمایندگان)
در این جا این ماده را ما کتیم بنده و آقای دامغانی و آقای دادگر تماماً گفتیم با صاحب امتیاز صحبت کنیم این پولیست که ما می خواهیم از جیب او بکشیم.

حالا که ما می خواهیم رأی بدهیم و قانون بنویسیم که آقا بولت را ببخش بپردازد باید ببینیم حاضر است یا نه؟

سؤال کردیم گفت بعد از آنکه راه تمام شد و حق العبور اخذ کردم.

من این دو هزار تومان را میدهم حالا ما میگوئیم قبل از آنکه توجع العبور بگیریم از همین حالا که ما رأی می دهیم باید این دو هزار تومان از جیب تو بیرون بیاید ولی این طور قبول نکرد و از وقتی که حق العبور اخذ میکند از آن پول دو هزار تومانش را قبول کرد که تخمین بدهد برای این اشخاص که اینجا ذکر شده است مصارف معین.

ذوالحقون معین؛ برای موقع معین؛ نه اینکه از همین حالا که این بچاره میخواند دست بکار بزند بگوئیم مجلس رأی داده که دو هزار تومان بردار و دارالمرجه و دارالساکنین و مریضخانه درست کن از این نظر بود که بنده مخالفت کردم.

وزیر فواید عامه همان طور که در ضمن مذاکره در این ماده در کسب و نهیم عرض کردم اگر موقعی موردی باشد برای صرف کردن این دو هزار تومان همان موقع است که مشغول ساختن راهست همان موقعی است که مصله کلار کورور یا جلاق یا ناخوش و گرفتار هزار قسم درد و بلا میشود و الایس از اینکه ساختن راه تمام شد و میخوانند شروع بکنند بگرفتن حق العبور دیگر مصله در کار نیست فقط چند نفر منشی میگذارند بین راه هر کس می آید بلبط می دهند و باج میگیرند پس بعقیده من اگر موردی داشته باشد مصلحت و کم کار با کارگر همان موقع ساختن راهست.

از طرف دیگر صاحب امتیاز حاضر شده است یک سر مایه زیاد (صدهزار تومان دوپست هزار تومان هر چه می خواهد باشد)

در این راه خرج کند و کار هر بی خرج نمی شود

البته هر کس می خواهد در دنیا بهره بردار باشد متحمل خرج بشود و الا نمی شود بهره بردار.

حالا که می خواهد خرج کند از هر محلی که دوست هزار تومان را برای اصل راه تهیه میکند این دو هزار تومان را هم تهیه خواهد کرد و گمان میکنم برای صاحب امتیاز هم تفاوتی نکنند و موافق هم باشد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کفایت.

رئیس - رأی گرفته می شود به ماده بیست و نهیم. آقایانی که تصویب می کنند قیدام فرمایند.

(اكثر نمایندگان برخاستند)

هر گاه صاحب امتیاز در مدت مقرر در این امتیاز ساختمان راه را با تمام نرساند این امتیاز نسبت به قسمتی که ساخته شده معتبر و نسبت به قسمت ناتمام از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

شریعت زاده - عرض کنم علت ندارد که صاحب امتیاز مخارج زیاد و زحمات زیادی را متحمل شود و مقداری زیادی راه بسازد بعد فرضاً دو فرسخ سه فرسخ نا تمام بماند آن وقت از آن قسمت ساخته شده استفاده نکنند انصاف نیست.

این مسئله را مخصوصاً اعضای کمیسیون فواید عامه در مورد الغاء تأیید کردند و ثابت کردند که این عقیده خوبی است یعنی گفتند فراموشی که تا حالا قسمتی از آن اجرا شده معتبر و نسبت به قسمت هائیکه اجرا نشده لغو است و البته این صحیح است.

فرض کنیم یک نفر ایرانی در نتیجه زحمات زیادی یک امتیاز گرفته است و زحماتی هم متحمل شده است ولی در موضوع ساختن در تخمینات اولیه اشتباه کرده است و در تخمین کف زده اشتباهی کرده و از سی و دو فرسخ چهار فرسخ ساخته نشده مانده حالا این امتیاز ملغی است؟

این که انصاف نیست. حالا چه ضرری دارد که ما بگوئیم نسبت به آن بیست و هشت فرسخ که ساخته شده امتیاز معتبر و نسبت به آنچه که باقی مانده ملغی است که از آن مقدم شمارد.

رئیس - بفرمائید آقاسید محمدعلی شوشتری تقریباً در شرح ماده قبل که قضیه امتیاز راه بندرجز مطرح شد بنده قبلاً عرض کردم از نظر عملی بودن امتیازی که رأی آن با مجلس شورای ملی است بایستی اهالی محل اهالی استرآباد و دامغان و بندرجز شرکت بجویند.

نظری بیاید امتیازی را قبول کند و مخارجی بکند بعد بواسطه یک سوء اتفاق یا سوء تفاهم بیست و هشت فرسخ سی فرسخ را ساخت و دو سه فرسخ را ساخت همه زحماتش از بین برود.

مخبر - آقای شریعت زاده خوب بود آن طرف مسئله را هم میفرمودند که صاحب امتیاز دو فرسخ را تعمیر میکرد و از بقیه صرف نظر میکرد آن وقت مشغول می شد در این دو فرسخ باج می گرفت یک قسمت راهی که این آدم بایستی تعمیر و شوره کند خرابیهایش چندان زیاد نیست و آن نقاطی که محتاج باصلاح است یک نقاط فوق العاده معدود است و چند فرسخ بیشتر نیست که اگر آنجا را اصلاح کرد می شود گفت راه را شوره کرده والا مقدار زیادی از این اراضی چندان محتاج بشوره کردن نیست یا اینکه مخارج خیلی کمی دارد.

اگر مقصود ما این بود که این آدم را وادار بکنیم یک مقدار راهی را شوره بکند و پول بگیرد این پیشنهاد البته خوب بود ولی منظور این نیست منظور این است یک راهی که اینطور خراب است ما رفع معایبش را بکنیم. در هر صورت من گمان نمیکنم آقای شریعت زاده با آن دقت نظری که دارنده همچو پیشنهادی بکند.

شریعت زاده - بنده توضیحی دارم وزیر فواید عامه - این پیشنهاد گمان میکنم منافی داده است که گذشت تقاضا میکنم ماده سه قرائت شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)
ماده ۳ - صاحب امتیاز متعهد میشود که از تاریخ مبادله این قرارداد در ظرف سال اول شروع بعملیات راه سازی نموده و متتهی تامتت سه سال بعد از تاریخ مبادله قرارداد راه مزبور را با تمام نرساند.

شریعت زاده - بنده پیشنهاد خودم را اصلاح میکنم باینطور که نوشته شود اگر دولت از راه ساخته شد آن وقت او میتواند از این راه ساخته شده استفاده کند.

رئیس - پیشنهاد اعاده میشود اصلاح کنید. ماده الحاقیه دیگر (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه آقای شوشتری - اهالی استرآباد و بندرجز و دامغان در شرکت مقدمند بر سایر اتباع داخله و تاهر مقدار که خواستند شرکت بجویند صاحب امتیاز باید قبول نموده و بر دیگران مقدم شمارد.

رئیس - بفرمائید آقاسید محمدعلی شوشتری تقریباً در شرح ماده قبل که قضیه امتیاز راه بندرجز مطرح شد بنده قبلاً عرض کردم از نظر عملی بودن امتیازی که رأی آن با مجلس شورای ملی است بایستی اهالی محل اهالی استرآباد و دامغان و بندرجز شرکت بجویند.

آن روزی آقای مخبر فرمودند ممکن است در ضمن شور در مواد قضیه را پیش نهاد کنید.

بنده از نقطه نظر مخالفت با اصل لایحه است که الان عرض میکنم بلکه عملی نمی بینم که بدون شرکت دادن اهالی استرآباد و دامغان و بندرجز آقای مسعود الملک موفق بشود بساختن راه و بطوریکه در در روز قبل آقایان در جرایم خوانده اند از نقطه نظر هائی که شاید صلاح نیست عرض کنم اهالی استرآباد جمع شده اند قسمت تبادل نظر میکنند و سرمایه جمع کرده اند برای ساختن راه این پیشنهاد را کردم که تاهر مقدار آنها بخوانند مقدمند برای عملی شدن این امتیاز است. استرآبادها همسایه دارند آن همسایه خارجی مراد نیست بلکه اتباع داخله مقصود است.

آن همسایه اگر خواستند تحریک کنند موافقی در محل ایجاد میشود و در اثر آن موانع مسعود الملک موفق بساختن راه نخواهد شد این است که بنده اهالی استرآباد و دامغان و بندرجز را مقدم بر سایر اتباع داخله می دانم و عقیده دارم که هر قدر خواستند آقای مسعود الملک آنها را شرکت بدهند.

مخبر - بنده بطور اخطار عرض میکنم اگر این پیشنهاد آقا رأی داده بشود سلب اختیار از صاحب امتیاز شده و سبب می شود که این امتیاز لغو شود و آن موانع خارجی هم که آقا میفرمایند ایجاد میشود در صورتی است که ما رأی به این پیشنهاد بدهیم.

جمعی از نمایندگان - صحیح است مخبر - والا امروز بحول الله تعالی هیچ کس نمیتواند در مقابل مجلس و دولت ایجاد ممانع و اشکالی بکند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است رئیس - رأی میگیریم. آقایانی که ماده پیشنهادی ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(هیچ کس قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده اصلاح شده رسیده است مجدداً قرائت میشود و رأی میگیریم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه آقای شوشتری - اهالی استرآباد و بندرجز و دامغان در شرکت مقدمند بر سایر اتباع داخله و تاهر مقدار که خواستند شرکت بجویند صاحب امتیاز باید قبول نموده و بر دیگران مقدم شمارد.

رئیس - بفرمائید آقاسید محمدعلی شوشتری تقریباً در شرح ماده قبل که قضیه امتیاز راه بندرجز مطرح شد بنده قبلاً عرض کردم از نظر عملی بودن امتیازی که رأی آن با مجلس شورای ملی است بایستی اهالی محل اهالی استرآباد و دامغان و بندرجز شرکت بجویند.

وزیر فواید عامه - بنده باز یک مرتبه اجازه می خواهم همان طور که عرض کردم باز هم تکرار میکنم که این پیشنهاد آقای شریعت زاده با ماده ۳ و ماده ۲۲ منافات دارد ماده ۳ را میخوانم آقایان ملاحظه فرمائید:

ماده سه و چهار شش و فلان و فلان باعث الغاء این امتیاز خواهد بود بنا بر این در دو اول شروع بعملیات راه سازی نموده و متتهی تامتت سه سال بعد از تاریخ مبادله قرارداد راه مزبور را با تمام نرساند این امتیاز نسبت به قسمتی که ساخته شده معتبر و نسبت به قسمت ناتمام از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

بنابر این در این قسمت اشکالی نیست.

قسمت دیگر که راجع است بدو ثلث راه. توجه بفرمائید.

مسعود الملک بمالغ زیادی پول خرج میکند زحمت میکند از سی و دو فرسخ ۲۳ فرسخ و ۲۰ فرسخ راه را ساخته جهت ندارد که از آن قسمت ساخته شده استفاده نکنند و امتیازش حتماً ملغی شود بنده که هیچ فلسفه در این نمی بینم. آقایان فرمودند که ممکن است ۲ فرسخ را بسازد و بقیه را نسازد بنده هم این را جبران کردم و گفتم مشروط بر اینکه دولت ثلث راه را تا آن وقت ساخته باشد.

صاحب امتیاز متعهد می شود که از تاریخ مبادله این قرارداد در ظرف سال اول شروع بعملیات راه سازی نموده و متتهی تامتت سه سال بعد از تاریخ مبادله قرارداد راه مزبور را با تمام نرساند این امتیاز نسبت به قسمتی که ساخته شده معتبر و نسبت به قسمت ناتمام از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

بنابر این عرض میکنم صاحب امتیاز متعهد شده که این راه در ظرف ۳ سال بسازد اگر ساخت که هیچ اگر هم نساخت که گناده دولت چیست؟ و اگر هم مقصود مراعات صاحب امتیاز است مراعات صاحب امتیاز يك حدی دارد حدش تا این اندازه است که بمنافع عمومی و بقصد این امتیاز سبب سبب وارد نیاید و بعقیده بنده این بیش نهاد خوبی نیست حالا بسته برای مجلس است.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیریید رئیس - رأی گرفته می شود بقابل توجه بودن ماده الحاقیه آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده الحاقیه دیگر.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای شریعت زاده اگر صاحب امتیاز در مدت مقرر در این امتیاز ساختمان راه را با تمام نرساند و دولت معلوم شود که تاخیر اتمام مستند به مسامحه و تعهد صاحب امتیاز نیست میتواند از ۶ ماه تا دو سال برای اتمام مدت ساختمان اضافه نماید.

شریعت زاده - مطلبی است که بنده مقدمه می خواهم عرض کنم و آن این است که گفته میشود اگر کسی شرطی را قبول کند ملت ندارد مراجع به آن مطلب صحبت کنیم.

بنده با این عقیده موافق نیستم برای اینکه مجلس باید در قضایا مطابق مصالح مملکتی رأی بدهد و در نظر هم داشته باشد از آن تصویبی که میکند نتیجه بگیرد و بوقوع عمل بگذارد.

بنده تصور میکنم هر کس اطلاعات اساسی در این راه داشته باشد تصدیق می کند که ۳۴ فرسخ راه را آقای مسعود الملک نمی تواند در ظرف ۳ سال بسازد و باین جهت پیشنهاد کردم که اگر در مدت مقرر در ماده ۳ این راه تمام نشد دولت رسیده گی کند و ببیند اگر از راه تسامح بوده امتیاز را ملغی کند و اگر از راه تسامح نبوده اختیار داشته باشد که مهلت دیگری برای اومعین کند تا او بتواند تمام کند.

مخبر - چنانچه آقای شریعت زاده کاملاً مطلعند این آدم مدتی است در اینجا معطل و متوقف است و همه روز فکر و ذکرش متوجه باین قضیه است و تصدیق میفرمائید که این شخص در کار خودش بیش از بنده و جناب عالی مطالعه کرده و خودش تشخیص داده که در مدت ۳ سال میتواند شریعت زاده را بسازد و الزام داده است. یعنی می گوید ملتزم می شوم که بسازم حالا اگر اینطور تصور میکنید که دانش و عقل و

بنابر این در این قسمت اشکالی نیست.

قسمت دیگر که راجع است بدو ثلث راه. توجه بفرمائید.

مسعود الملک بمالغ زیادی پول خرج میکند زحمت میکند از سی و دو فرسخ ۲۳ فرسخ و ۲۰ فرسخ راه را ساخته جهت ندارد که از آن قسمت ساخته شده استفاده نکنند و امتیازش حتماً ملغی شود بنده که هیچ فلسفه در این نمی بینم. آقایان فرمودند که ممکن است ۲ فرسخ را بسازد و بقیه را نسازد بنده هم این را جبران کردم و گفتم مشروط بر اینکه دولت ثلث راه را تا آن وقت ساخته باشد.

وزیر فواید عامه - بنده باز یک مرتبه اجازه می خواهم همان طور که عرض کردم باز هم تکرار میکنم که این پیشنهاد آقای شریعت زاده با ماده ۳ و ماده ۲۲ منافات دارد ماده ۳ را میخوانم آقایان ملاحظه فرمائید:

صاحب امتیاز متعهد می شود که از تاریخ مبادله این قرارداد در ظرف سال اول شروع بعملیات راه سازی نموده و متتهی تامتت سه سال بعد از تاریخ مبادله قرارداد راه مزبور را با تمام نرساند این امتیاز نسبت به قسمتی که ساخته شده معتبر و نسبت به قسمت ناتمام از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

بنابر این عرض میکنم صاحب امتیاز متعهد شده که این راه در ظرف ۳ سال بسازد اگر ساخت که هیچ اگر هم نساخت که گناده دولت چیست؟ و اگر هم مقصود مراعات صاحب امتیاز است مراعات صاحب امتیاز يك حدی دارد حدش تا این اندازه است که بمنافع عمومی و بقصد این امتیاز سبب سبب وارد نیاید و بعقیده بنده این بیش نهاد خوبی نیست حالا بسته برای مجلس است.

جمعی از نمایندگان - رأی بگیریید رئیس - رأی گرفته می شود بقابل توجه بودن ماده الحاقیه آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند.

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. ماده الحاقیه دیگر.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای شریعت زاده اگر صاحب امتیاز در مدت مقرر در این امتیاز ساختمان راه را با تمام نرساند و دولت معلوم شود که تاخیر اتمام مستند به مسامحه و تعهد صاحب امتیاز نیست میتواند از ۶ ماه تا دو سال برای اتمام مدت ساختمان اضافه نماید.

شریعت زاده - مطلبی است که بنده مقدمه می خواهم عرض کنم و آن این است که گفته میشود اگر کسی شرطی را قبول کند ملت ندارد مراجع به آن مطلب صحبت کنیم.

بنده با این عقیده موافق نیستم برای اینکه مجلس باید در قضایا مطابق مصالح مملکتی رأی بدهد و در نظر هم داشته باشد از آن تصویبی که میکند نتیجه بگیرد و بوقوع عمل بگذارد.

بنده تصور میکنم هر کس اطلاعات اساسی در این راه داشته باشد تصدیق می کند که ۳۴ فرسخ راه را آقای مسعود الملک نمی تواند در ظرف ۳ سال بسازد و باین جهت پیشنهاد کردم که اگر در مدت مقرر در ماده ۳ این راه تمام نشد دولت رسیده گی کند و ببیند اگر از راه تسامح بوده امتیاز را ملغی کند و اگر از راه تسامح نبوده اختیار داشته باشد که مهلت دیگری برای اومعین کند تا او بتواند تمام کند.

مخبر - چنانچه آقای شریعت زاده کاملاً مطلعند این آدم مدتی است در اینجا معطل و متوقف است و همه روز فکر و ذکرش متوجه باین قضیه است و تصدیق میفرمائید که این شخص در کار خودش بیش از بنده و جناب عالی مطالعه کرده و خودش تشخیص داده که در مدت ۳ سال میتواند شریعت زاده را بسازد و الزام داده است. یعنی می گوید ملتزم می شوم که بسازم حالا اگر اینطور تصور میکنید که دانش و عقل و

بنابر این در این قسمت اشکالی نیست.

قسمت دیگر که راجع است بدو ثلث راه. توجه بفرمائید.

مسعود الملک بمالغ زیادی پول خرج میکند زحمت میکند از سی و دو فرسخ ۲۳ فرسخ و ۲۰ فرسخ راه را ساخته جهت ندارد که از آن قسمت ساخته شده استفاده نکنند و امتیازش حتماً ملغی شود بنده که هیچ فلسفه در این نمی بینم. آقایان فرمودند که ممکن است ۲ فرسخ را بسازد و بقیه را نسازد بنده هم این را جبران کردم و گفتم مشروط بر اینکه دولت ثلث راه را تا آن وقت ساخته باشد.

وزیر فواید عامه - بنده باز یک مرتبه اجازه می خواهم همان طور که عرض کردم باز هم تکرار میکنم که این پیشنهاد آقای شریعت زاده با ماده ۳ و ماده ۲۲ منافات دارد ماده ۳ را میخوانم آقایان ملاحظه فرمائید:

بوده و هست و اجناس که وارد و خارج می شود در گمرک تقویم میکنند و از روی قیمت باید مالیات بدهند یک پوستی که دو قران قیمتش است نباید صدی چهار بدهد و یک پوستی هم که ه تومان قیمتش است صد بدهد. این یک اصلی است و بنده عقیده ام این است که در تمام مالیات ها باید اصل تقاعد را بر قرار کرد بنده می گویم ۱۰ هزار تومان باید بیشتر از هزار تومان مالیات بدهد و در اینجا بنده معتقدم که پوست ه تومانی باید مالیات بیشتر از پوست ه قرانی را فقراء و پوست ه تومانی را از اغنیاء استعمال میکنند.

بنابر این بنده عقیده دارم که پوست بره را باید قیمت کنند و همانطوری که در پیشنهاد اول دولت هم بود و یک حدودی را قائل شده بودند حالا هم برای پوست بره از دو قران تا یک تومان یک مبلغی که بنده حالا حساب خواهم کرد و بعد پیشنهاد خواهم نمود درجه قرار بدهند و مالیات راه سه درجه معین کنند و اما در قسمت تبصره هم پیشنهاد شده صرف صحیه بشود بنده عقیده ام اینست و معتقدم که تنها حفظ الصحه مردم را درست کردن کافی نیست جامعه که سواد ندارد آنهم مریض است و لازم است که حفظ الصحه دفاعی آن را هم درست کردو حالا که موافقت نمی فرمایند بر بوجه معارف چیزی اضافه شود ما باید در نظر بگیریم که از این قبیل ورد ها که پیدا میشود به معارف تخصیص بدهیم و عقیده ام این است که این مورد را نصفش را تخصیص بدهیم به معارف و نصفش را هم بصحیه که هم حفظ الصحه اجساد مردم را درست کرده باشیم هم حفظ الصحه دفاعی شان را این است که بنده با این ماده تبصره مهافتم مخرج- اگر درست بماند توجه فرموده بودید میفیدید که بنده مقصود ما حاصل شده است زیرا نوشته در موقع صدور از پوست های بره از قرار صدی چهار از قیمت برای حق جواز باید دریافت شود.

پس معلوم می شود که ده تا پوست اعلی را وقتی که بیست تومان قیمت کردند بهمان نسبت از آن صد چهار می گیرند همین طور ده تا پوست وسط را که ه تومان قیمت کردند این را هم به نسبت قیمتش صد چهار را حساب می کنند و می گیرند و در واقع این جا همان نسبتی را که خودشان در نظر داشتند که نسبت تصاعد باشد کاملاً ملحوظ شده است. برای اینکه ما از قیمت میگیریم دهانه که نمی گیریم بلی اگر نوشته بودیم که از هر دهانه پوست یک قران یا دو قران باید گرفته شود بدین معنی است که قیمت هم تفاوت می کنند و بنابر این اصل تصاعد در این جا رعایت شده است. اما راجع به قسمت دوم تصور میکنم همه آقایان همین نظر آقای شیروانی را راجع باز زیاد بودجه معارف داشته

باشند ولی باید دید عوائدی که از این راه حاصل می شود چه مبلغ است؟ این يك مبلغ فوق العاده نیست که از صد هزار تومان تجاوز کند. خیر. اینطور نیست. شاید در سال قریب ده هزار تومن آن بیشتر نشود و این هم بولی نیست که هم بمصرف معارف برسد و هم بصرف صحیه عیالتاً این را تخصیص میدهیم بجاهائی که فاقد وسائل صحیه هستند بخدمت برای معارف همین طور مشغول هستیم از جاهای دیگر برای معارف درست می کنیم و الا اگر بغوا هم عوائد این مبلغ را هم تخصیص به معارف بدهیم و هم بصحیه کافی نخواهد بود و در نتیجه کرام نخواهند خورد رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده میگوام يك مسئله را بعرض آقایان برسانم. بنده خودم هر وقت نمی توانم تصدیق کنم. لیکن این بودجه را که بنده دیده ام مرا ناچار کرده است که این عرایض را عرض کنم بودجه که امسال تدوین شده است و آورده اند در کمیسیون محترم بودجه بنده نگاه کردم می بینم راجع به معارف و صحیه با این همه فریادی که در مجلس زده شد ابدأ دولت توجهی نکرده است و باز هم توجه به همان جاهائی شده است که سابقاً توجه شده است و اما راجع به قسمت پوست بره این دخل پوست بره بیشتر مال فارس است و بنده میگوام تقاضا کنم آن چیزی که از این جا حاصل می شود تخصیص داده شود بصحیه همان جا. در صورتی بنده کاملاً موافقم بامر کزیت و معتقدم که تمام عوائد مملکت باید وارد خزانه شود و با سوبه نسبت بمرکز و غیر مرکز تقسیم شود و ملاحظه کنند. اما بنده میدانم که این مخارجی که الان برای صحیه میگیرند اگر سه برابر چهار برابر برابر هم علاوه شود تمام خرج مرکز میشود و ولایات بدینست باز همین طور و به همین حال باقی می ماند و باز بهزار التماس هیچقدر نفری را که بار بر حفظ الصحیه می باشد به آنها میگویند شما بروید آنجا و يك مواجیبی هم بگیرید والا تأسیس يك اداره صحیه که برای آن ولایات نخواهند کرد چون این نظر است و بنده هم میدانم.

همانطور که يك روز یکی از رفقا گفت که مرحوم مراد میگفت هر کس نزدیک بیخاری است گرم می شود از این جهت مخالف و این يك بدبختی شده است که همه اهالی ولایات باید ببینند به طهران ناراحت شوند و از این مؤسسات استفاده کنند همانطور که مرض کردم چون بیشتر عوائدی که از این راه حاصل می شود مال صورت چه عیبی دارد که این عوائد را تخصیص بدهند بحد حفظ الصحه شیراز و خراسان و این عوائد وارد شود در يك مرکز می کشند که آن مرکز تقسیم نماید بین این دو محل این بوده مرض بنده.

مخبر - اولاً اینکه فرمودند از طرف دولت نسبت بصحیه و معارف توجه نشده است اینطور نیست. بودجه مراجع فرموده اند والا میدیدند که تا يك حدی که منظور نظر آقایان بوده است توجه شده و يك مبلغی هم بر بودجه معارف هم بر بودجه صحیه مخصوصاً ولایات را ایالات اضافه شده است. منتهی همان طوری که روز قبل هم بنده عرض کردم این مبلغ کم است و الا اینکه هیچ تقاضائی نکرده باشد. خیر. تفاوت کرده است صد هزار تومان بر بودجه صحیه اضافه شده است و يك مقداری هم بر بودجه معارف و اما در قسمت دوم که می فرمایند ولایات ایالات از طهران شکایت میکنند خوب این را خودتان می خواهید والا این طهران و شیراز و خراسان چه امتیازی است؟ ما بین کرمانشاه و اصفهان چه امتیازی است؟ همه جا صحیه و معارف لازم دارد چه دلیل دارد این مبلغ تخصیص به يك محل داده شود؟ و این مبلغی که هست باید بطور تناسب و تساوی به مصرف جاهائی که صحیه ندارد برسد.

وزیر قوا و اندامه - اگر چه آقای مخبر در ضمن بیاناتشان توضیح دادند ولی چون آقای آقا سید یعقوب عبارتی بیان کردند که لازم است بنده توضیح بدهم از این جهت میگوام این عرض را بکنم و آن این است که فرمودند با همه داد و فریاد های مجلس از طرف دولت توجهی در تکثیر و از زیاد بودجه معارف وصحیه نشد.

بیشتر ارزش در نصدی هشت از قیمت برای حق جواز باید دریافت بشود. تبصره بصحیه کلمه معارف پیشنهاد میکنم.

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - اولاً تصور میکنم آقای وزیر درست نظرشان نباشد که چند میلیون عایدات تفاوت کرده است گویا فراموش فرموده اند که مالیات دخانیات از روی صدی سی گرفته می شد ولی این جا از روی صدی صد تصادفی هفتصد تصویب شد و مطابق همان قاعده می گیرند و این يك مالیات خیلی سنگین است که بر مردم تحمیل کرده اند هنوز دوششان این خشکی را احساس نکرده است و چندی دیگر که بگذرد معلوم میشود که این عایدات بقدر ترقی کرده.

گمرک مطابق صورتی که این جا فرستاده است ستون عایدات متجاوز از يك میلیون زیاد شده است و بلکه بفراش یکی از رفقا دو میلیون بودجه گمرک ترقی کرده و با این همه مخارج مطابق همان بودجه که سابق بود

حالا هم پیش بینی شده و خیلی هم از اضافه عایداتی که پیش نهاد کرده اندافش کرده اند در صورتیکه چهار پنج میلیون عایدات تفاوت کرده است و معذراً بگویم در مقابل این اضافه عایدات بودجه را عین همان بودجه ۱۳۰۳ تنظیم کرده اند و در مجلس آورده اند و يك دینار هم اضافه نشده فقط در این بودجه در حاشیه يك ستونی نوشته اند و در ذیل بودجه قید شده است که اگر این اضافاتی که بمجلس پیشنهاد کرده هم تصویب گردید آن اضافات را بدهیم و الا بودجه عین بودجه ۱۳۰۳ خواهد بود.

این بودجه ایست که بمجلس آمد و بنده هم قدری نزاع کردم و حتی از جریان وزارت مالیه و سایر وزارت خانه ها هم اطلاع داشتم و از روی کمال اطلاع عرض میکنم که هم دوسه میلیون بر عایدات اضافه شده است و هم اینکه دیناری بر ستون مخارج اضافه نشده است. بخصوص برای وزارت معارف.

حالا شاید سایر وزارت خانه ها بفرمایند يك نفر از نمایندگان آنومبیل برای وزیر درست کرده اند یا چندمین اضافه است یا يك مبلغی برای صحیه خارج مرکز در نظر گرفته شده ولی برای معارف ولایات يك دینار اضافه مخارج منظور نشده در صورتی که در مقابلش يك سلسله عایدات اضافه شده است.

این قسمت جواب فرمایش آقای وزیر اما پیشنهاد بنده اینست که آقای مخبر فرموده از روی اصل تصاعد است. بنده عرض میکنم ماده اینطور نیست.

و ماده متناسب است یعنی متناسب قیمت پوست مالیات اضافه میشود.

ولی تصاعد این است که هر قدر قیمت اضافه میشود مالیات هم باید اضافه شود بنده پیشنهاد کرده ام که از پوستهای بره که از يك تومان بیشتر ارزش دارد صدی چهار بگیرند و کمیسیون در نظر گرفته که از پوستهای بره که بیشتر یا کمتر از این مبلغ ارزش دارند بطور عموم چهار درصد بگیرند در صورتیکه خود بنده در ابتدای امر که این طرح چاپ شد یکی از طرفداران این لایحه من بود ولی در عین حال نباید بقدر جلوی کار را ول کرد که از آن طرف هم نتیجه معکوس شود و علاوه ملت وقتی که خودش حاضر شد يك مالیاتی را بدهد آن را باید تخصیص داد بیک مصلحتی که خودش در نظر گرفته و بنده اگر چه برابر هم این مالیات اضافه شود و صرف بصحیه و معارف مملکت بشود زای میدهم و تصور نمیکنم دلسوزی هم بشود که این مبلغ زیاد است و مورد ندارد.

زیرا خرج معارف وصحیه خودشان می شود و در هر صورت نظر بنده این بود که در ماده پیشنهاد کردم از پوستهای بره که تا يك تومان ارزش دارد صدی چهار و اگر بیشتر ارزش دارد صدی هشت گرفته شود آن وقت هم اختصاص داده شود به معارف و صحیه یعنی نصفش را بمعارف بدهند و نصفش را بصحیه.

مخبر - راجع ببودجه و اضافه عایدات که اظهار کردند معلوم میشود درست دقت فرموده اند والا ملاحظه می فرمودند که اگر ببودجه معارف خیلی اضافه نشده برای این است که از این طرف يك مبلغی از عوائد ما کسر شده و حقا هم باید کسر بشود مثلاً يك فقره تقریباً يك میلیون از عایدات جنسی خالصه جات انتقالی ما بواسطه بی آبی و آفت کسر شده است.

معادل چهار صد هزار تومان از عایدات مستقیم ما کسر شده و همچنین بواسطه آفات وارده بانصد هزار تومان از عایدات خالصه جات غیر انتقالی دولت کسر شده و همچنین مبلغی بابت عوائد کرده و اکسید و دوفر و غیره که حالا بنده شرحش را در مورد این پیشنهاد و اینجا زاید میدانم کسر شده است و آن وقت در مقابل يك مبلغی هم اضافه عایدات دخانیات و يك مبلغ هم اضافه عایدات گمرک دارند ولی وقتی که نگاه کنیم باز می بینیم عایدات ما نسبت بسال گذشته چیزی اضافه نشده.

اما اینکه راجع به مالیات دخانیات می فرمایند که يك مبلغ زیادی اضافه شده اینطور نیست و صدی صد و صدی هفتصد را هم که میفرمایند اینجا يك قدری افرات چیست؟ بنده که نمی فهمم صدی هفتصد یعنی ایران فرستاده اند و در صورتی که خارجی

اندازه که تصور میکنند امسال علاوه نشده اما اینکه راجع باصل مطلب اظهار کردند خوبست صدی هشت گرفته شود بنده عرض میکنم اگر بعقیده شخص بنده بود بنده معتقدم که اصلاً از پوست بره چیزی گرفته نشود برای اینکه این يك مال التجاره میشود که ترویج پیدا میکند و مردم بیشتر تهیه میکنند و ما باید ساعی باشیم که این قبیل مالیاتها از صادرات ما بر داشته شده اینست که اضافه کنیم و این صدی چهار را هم نوشته شده است.

در نتیجه مذاکرات و مطالبات زیاد است که بادوات و رئیس کل گمرکات بعمل آمده و بالاخره مبلغی که عادلانه باشد و بمال التجاره هم لطمه وارد نیاورد و عوائدش هم صرف حفظ الصحه بشود همین مبلغی بوده است که در نظر گرفته شده.

اما اینکه میفرمایند این مبلغ را تخصیص بدهیم هم بمعارف هم بصحیه بنده عرض میکنم اگر اینطور بشود آن وقت هیچ کدام آنطوری که منظور نظر است اداره نخواهد شد و راجع بمعارف ولایات هم همانطوری که آقای وزیر فواید عامه اظهار کردند محتاج بداشتن عوائد است

هر وقت ماعوائد زیادی پیدا کردیم البته همانطور هم که از طرف یکی از نمایندگان پیشنهاد شده بود يك مبلغ زیادی که تا يك اندازه توسعه معارف را تأمین نماید بر بودجه معارف اضافه خواهد شد اما این مبلغ کافی نیست که بمصرف هر دوی آنها برسد و آن وقت نقض غرض خواهد شد رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای شیروانی

سلطانی - بنده تقاضای تجزیه میکنم رئیس - قسمت آخر را میفرمائید سلطانی - بلی رئیس - آن قسمت را حالا رأی میگیریم رأی میگیریم بقسمت اول آقایانیکه قسمت اول را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (مده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای نظامی - بنده باین توضیحات که میارم مخبر دادند متقاعد شدم و مسترد میارم رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای کارزونی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که از پوست بره در حین صدور فقط صدی يك بجهت حق جواز گرفته شود رئیس - آقای کارزونی (بشرح آتی خوانده شد)

کارزونی - پاره مالیاتهاست که در شرح سیاحت از مجرمانست و آن مالیاتی که از صدور مال التجاره از مملکت می گیرند برای اینست که آن مال التجاره را در مقابل التجاره خارجه طوری ضعیف کنند که دیگر نتوانند و رقابت کند و برای مملکت هم لازمست و این مالیات هم از همان قبیل مالیاتهاست و این مطلبی را که بنده عرض کردم رئیس - آقای نظامی (اجازه)

نظامی - بنده تصور میکنم در تمام دنیا امروز جنگ بامرض مالاریا را مقدم بر همه مرض ها میدانند آقای امیر اهلم تشریف دارند.

از ایشان مشوال کنید ببینید از مالک خارجه برای این موضوع امانه برای ایران فرستاده اند و در صورتی که خارجی

ها حاضرند در این قسمت با ما مساعدت میکنند گمان میکنم اگر آقایان موافقت بفرمایند و يك یاد کاری از دوره پنجم باقی بگذارند و جنگ با مالاریا از دوره پنجم شروع بشود و در واقع نعمت بزرگ است. بعضی از آقایان نظر داشتند که این مبلغ صرف صحیه بشود و بعضی ها معتقد بودند که صرف معارف بشود و بنده بینا بین را گرفته چنانکه دو روز قبل هم در کمیسیون فواید عامه گفته شد که برای رفع مرض مالاریا معالی نیست و پیشنهادی هم در این خصوص بکمیسیون بودجه خواهد آمد و گمان میکنم اگر آقایان عایدات این محل را برای جنگ با مرض مالاریا اختصاص بدهند حقیقتاً یاد کار بزرگی از دوره پنجم باقی گذاشته اند

معاف می کنند و ما باید بطوری بکنیم که صادراتمان زیاد تر از وارداتمان یا معادل بشود نه بالعکس بنده می بینم کم کم داریم وضع مالیات بر صادرات مملکت میکنیم خصوص آن صادراتی که در داخله مملکت محل احتیاج مردم نیست و قوام وجود و موجودیت مردم مبتنی بر آن نیست درین صورت مقتضی است که ما آنها را معاف کنیم و آنها را تشویق کنیم که بتوانند در مقابل سال التجاره های دیگران مقاومت کنند اینست که بنده پیشنهاد کرده ام فقط برای حق جواز صد يك گرفته شود.

مخبر - با اینکه نظر آقای کارزونی اساسی و قابل توجهست ولی برای اطلاع خاطرشان عرض میکنم که در سر این کار مخصوصاً بارتیس کل گمرکات در یکی دو جلسه مذاکره شد و این مبلغی را که درین جا نوشته اند که صدی چهار باشد يك مبلغیست که باز هم پوست های ایران نسبت به پوست های خارجه ارزانتر و بهتر وارد می شود در کمال خوبی میتوانند مایزه کنند والا اگر لازم بود کمتر از این پیشنهاد بشود البته پیشنهاد میشد

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (مده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای ضیاء (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می شود که در تبصره ماده دو «ولایات» بمذاکره ولایات و بلوکات علاوه شود

مخبر - این پیشنهاد قابل قبول است اضافه شود (پیشنهاد آقای طهرانی بشرح ذیل خوانده شد)

بجای پیش نهاد من بود تبصره ماده دوم بطریق ذیل اصلاح شود:

تبصره معواید حاصله از حمل پوست بره، السوبه اختصاص بصحیه و مدارس ابتدائی ایالات و ولایات خواهد داشت.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - الحاق تبصره بنده و آقای شیروانی هر دو لازمست زیرا وقتی که امروز راجع می کنیم می بینیم ما باید هم صحیه دفاعی مردم را هم صحیه بدنی آنها را تأمین کنیم و متأسفانه تا امروز دولت توجه مخصوصی بمعارف نداشته است آذربایجان و هم چنین خوزستان اینها احتیاجشان بمعارف بیشتر است تا بصحیه از روی سیاست مملکت هم که ملاحظه کنید اهمیت معارف از همه آنها بیشتر است علاوه بر اینکه اداره صحیه هنوز يك نداشته باشد

بنده عرض میکنم ماده اینطور نیست اما پیشنهاد بنده اینست که آقای مخبر فرموده از روی اصل تصاعد است. بنده عرض میکنم ماده اینطور نیست.

ترتیب خاصی پیدا نکرده که آن را بک تشکیلات قاطعی بدانیم و این مبلغ را اختصاص بصبیه مردم بدهیم در ایالات و ولایات هنوز دوراثری نیست که ما این مبلغ را بصبیه اختصاص بدهیم.

عوائد پوست بره از قرص چهارهفتاد هزار تومان می شود ممکن است سی و پنج هزار تومانش اختصاص داده شود برای معارف ولایات خاصه آذربایجان و خوزستان با وجود اینکه تاکنون چند مرتبه آقای وزیر معارف اظهار کرده اند که نسبت به معارف آذربایجان و هم چنین خوزستان یک چیزی اضافه می شود تاکنون اضافه نشده است از این جهت بنده پیش نهاد کردم که سی و پنج هزار تومان بر معارف اضافه شود مخصوصاً برای این دو محل که سه چهار مدرسه در آنجاها تأسیس شود و سی و پنج هزار تومان هم برای صبیحه باشد.

مخبر - اولاً بنده نفی می دم آقای تهرانی این قلم هفتاد هزار تومان را از کجا پیدا کردند در صورتی که هیچ اینطور نیست شما مگر عمل کرده اید بلکه اینطور مبلغ را معین نفرمائید.

این مأخذی را که می فرمائید صحیح نیست.

بعلاوه این پیشنهاد با توضیح خودتان تناقض دارد زیرا می فرمائید به صرف صبیحه ایالات و ولایات بطور تساوی برسد بنده این کلمه تساوی را نفی می دم یعنی چه؟

یعنی اگر یکشان هزار تومان می دهد به خراسان هم همان هزار تومان را بدهند یا اینکه عرضتان این بود بفرمان شما بیک اشخاصی تقسیم کنند و بعلاوه در ضمن فرمایشاتتان فرمودید که این عوائد را اختصاص بدهند به آذربایجان و خوزستان بنده نمی خواهم یک مطالبی را زیاد تکرار کنم مثل فرمایش بعضی آقایان که خیلی تکرار می شود.

البته همه آقایان از لحاظ معارف خواهی شریکند و گمان نمی کنم کسی باشد که معارف خواه و معارف پرور نباشد ولی بنده صریحاً عرض می کنم که اگر شما بخواهید این محل را تخصیص به معارف و صبیحه هر دو بدهید یا این پول نه یک مدرسه باز خواهد شد و بصرف صبیحه هم نخواهد رسید و در نتیجه مقصود حاصل نخواهد شد پس خوب است عملاً این را بصبیه اختصاص بدهیم تا بعد انشاء الله یک فکری هم برای معارف خواهیم کرد.

داور - یک مرتبه دیگر بفرمائید پیشنهاد قرائت شود.

(مجدد شرح سابق قرائت شد)

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که پیشنهاد آقای طهران را قابل توجه میدانند قیام فرمائید.

طهرانی - بنده پس می گیرم.

چند نفر برخاستند

رئیس - قابل توجه نشد.

بیش نهاد آقای سلطانی قرائت می شود.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که تبصره بطریق ذیل اصلاح شود.

تبصره - وزارت مالیه مکلف است عوائد حاصله از حمل پوست بره را با مناصف علاوه بر بودجه صبیحه ایالات و بلوکات که فاقد وسایل حفظ الصحه هستند و معارف ولایات برسد.

رئیس - آقای سلطانی (اجازه)

سلطانی - اگر این پیشنهاد در ضمن سایر پیشنهادات رد شده است عرضی ندارم و الا رای گرفته شود.

رئیس - اگر رد شده بود قرائت نمی شد.

سلطانی - پس رأی گرفته شود.

رئیس - رأی می گیریم آقایانی که پیشنهاد آقای سلطانی را قابل توجه می دانند قیام فرمائید.

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد.

بیش نهاد آقای دست غیب.

(شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم عوائد دولت آن اختصاص داده شود به معارف فارس (بیش نهاد دیگر آقای دست غیب اینطور قرائت شد)

علاوه شده پیش نهاد بنده بعد از کلام معارف صبیحه.

رئیس - اختصاص داده شود بصبیحه و معارف فارس؟

دست غیب - بلی.

رئیس - بفرمائید.

دست غیب - بنده می دانم آقایان رأی نخواهند داد ولی برای این که وظیفه که متوجه بنده است ادا کرده باشم لازمست عرض کنم همانطور که آقای آقا سید یعقوب اظهار کردند کسی منکر مرگزیت نیست و همه آقایان و کیل ولایات هستند چنانچه و کلای معلی هم و کیل همه ایران هستند ولی یک نقطه نظر انصافی در بین هست و آن این است که بیشتر این عوائد از فارس حاصل می شود.

عرض نمی کنم که همدان یاصفهان یا بختیاری یا جای دیگر ندارد بلکه می گویم بیشتر این پول را فارس میدهد و بیشتر عوائد حاصله مال فارس است با این حال آقایان خوبست نظری به معارف فارس بکنند تا ملاحظه بفرمائید چیست؟

آقای وزیر فوائد عامه فرمودند از طرف دولت یک توجهی به معارف و صبیحه شده بنده عرض می کنم علاوه بر این چیزی که از طرف دولت یک توجهی به معارف و صبیحه آنجا بکنند.

بنده که بودجه را ندیده ام ولی گمان

می کنم بیشتر از دوهزار تومان به فارس نمی رسد در دوره چهارم هیجده نوزده هزار تومان خود فارس عوائد داشت ولی در عرض چه قدر دولت صرف معارف و صبیحه فارس و بنادر میکرد؟

ببندرتنگه یا بندر عباس چه مبلغ میداد چه عرض کنم. بنده از محل شخص خودم که از آنجا انتخاب شده ام دفاع میکنم دولت ببندر عباس هیچ نمی دهد و همچنین صبیحه آنجا هیچ عطف توجهی می کند و بنده متصفانه عرض میکنم چون بیشتر این عایدی را فارس میدهد

لذا باید صرف معارف و صبیحه خود آنجا کرده البته باید خرج معارف آذربایجان و خوزستان و گیلان هم کرد ولی چون بیشتر عوائد حاصله از فارس است خوبست بیشتر به معارف و صبیحه آنجا اختصاص داده شود.

شاید آقایان باین پیش نهاد بنده رأی ندهند ولی بنده وظیفه خودم را این میدانم که مراتب را در این جا عرض کنم.

مخبر - برای اینکه فرمایشات آقای سابقه نشود بنده عرض میکنم این مطلب که چون عایدی فلان نقطه زیاد تراست باید صرف آن محل شود.

نمی تواند سابقه شود اگر اینطور است پس خوب بود در موقعی که قانون دخانیات مطرح بود پیش نهاد می فرمودید که چون محصول تنباکو و توتون بیشتر مال گیلان و کردستان است هه عایدی را صرف این نقاط باید کرد. این منطق اساسی نیست که چون عوائد پوست بره فارس زیادتر از سایر جاهها است باید خرج خودش بشود.

عایدات پوست بره فارس شاید بیش از عایدات همدان و طهران باشد ولی بیش از خراسان نیست از این جهت این فرمایش آقایان نمیتوان سابقه قرارداد.

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای دست غیب آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید.

(چند نفر قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیش نهاد آقای تدین

(باین مضمون خوانده شد)

پیش نهاد میکنم که تبصره ماده دو بطریق ذیل مقرر شود:

تبصره - وزارت مالیه مکلف است عوائد حاصله از صدور پوست بره را بر بودجه وزارت معارف و صبیحه علاوه نماید که به مصارف معارف ابتدائی و صبیحه ایالات و ولایات و بلوکات برسد.

رئیس - این پیش نهاد رد شده است.

تدین - تصور می کنم این پیش نهاد بنده یک اضافاتی دارد.

رئیس - ولی فاداش همان است.

پیشنهاد آقای طهران را می خوانند تا

معروف شود.

طهرانی - بنده پیش نهادم را پس گرفتم.

رئیس - رأی گرفته و رد شد.

بیش نهاد آقای طهران بشرح سابق خوانده شد.

تدین - اولاً پیشنهاد آقای طهران بطوری که قرائت شد کلامه با سوویه را داشت و نظر بنده با سوویه نیست و عقیده دارم که تشخیص موضوع را باید موکول کرد بنظر خود دولت.

ثانیاً بنده پیش نهاد کرده ام (عوائد حاصله از صدور پوست بره را) (و حال آنکه پیش نهاد ایشان در عرض کلامه صدور کلامه حمل دارد.

ثالثاً در پیش نهاد ایشان ولایات دارد و بنده در این جا ایالات و بلوکات را هم اضافه کرده ام بنده عقیده دارم که پیش نهاد باید جامع الاطراف باشد و از این جهت اینطور پیش نهاد کرده ام. اساساً باید ملاحظه کرد و دید که صبیحه مقدم است بر معارف یا معارف مقدم است بر صبیحه؟

یک نفر از نمایندگان صبیحه مقدم است علم الابدان

تدین - خیر این طور نیست. اجازه بدهید تا ثابت کنم.

علم الابدان مقدم است علم هم جزو معارف است.

بنده نمی خواهم در این موضوع خیلی زیاد صحبت کنم فقط نظر آقایان را بجزئیات چند رساله جلب کنم.

ملاحظه بفرمائید باندازه که امروزه در مملکت بحفظ الصحه اهمیت داده می شود بیست سال قبل اهمیت داده نمی شد. دلایل چیست؟

کازرونی - دلایلش مالار است تدین - دلایلش از زیاد اطلاع مردم و سواد مردم و بالاخره معارف است که مردم را متوجه بامراض مزمنه و مسریه نموده است پس این مسئله قابل انکار نیست.

بنابراین حالاً قطع نظر از این که کدام مقدم است و کدام مقدم نیست. زیرا این مسئله نظری است.

ولی نباید فائل شد که هر دو مساوی هستند و بهمان اندازه که بر صبیحه اهمیت داده می شود به معارف هم باید اهمیت داد و اینکه آقای مخبر اشاره کردند که در بودجه معارف یک اضافاتی منظور شده همچون بیست و دلایل هم همان بودجه ایست که بعد بنظر آقایان خواهد رسید.

در آنجا یک چیزهایی که لازم و ضروری بوده در قسمت مضمونه و اضافه قید شده و آن چیزهایی که خیلی لازم و ضروری نبوده در جزواصل بودجه منظور شده است که بعقیده بنده باید تکلیفش معلوم شود. عقیده بنده این است که مجلس باید در پیشرفت معارف و صبیحه توأماً کمک و مساعدت کند

از این جهت پیشنهاد کرده ام عوائد حاصله از صدور پوست بره که مطابق ماده دوم در سرحد خواهند گرفت صرف معارف ابتدائی و صبیحه ولایات و ایالات و بلوکات بشود و تشخیص و تعیین این مسئله هم مربوط و نظر قوه مجریه است که نماینده اش در قسمت معارف وزارت معارف و در قسمت صبیحه اداره صبیحه کل مملکتی خواهد بود.

رئیس - رأی می گیریم. بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمائید.

(جمع کنیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادی از طرف جمعی از آقایان رسیده قرائت می شود.

(شرح آتی خوانده شد)

نظر شدت گرما و نظر به نزدیکی ایام محرم امضاء کنندگان پیش نهاد می کنیم از بیستم ذیحجه تا آخر محرم مجلس تعطیل شود.

داور - حسن الحسینی - حاج شیخ عبد - الرحمن - ناصر ندامانی - رضا حکمت - حسن الحسینی کاشانی - دیواییگی - شوشتری - طباطبائی دیبسا - عظیمی - تجدد - رهنما - اسمعیل اصنانلو - دکتر امیر - سلیم ایزدی - اتحاد - رضاهدوی - تقی بهار - خطیبی - دکتر حسین خان بهرامی - مدرس.

تدین - چون اجازه مرخصی خواسته ام مخالف نیستم شیروانی - اسفندیاری - روحی - و چند مضای دیگر.

رئیس - آقای داور.

(اجازه)

داور - بنده تصور نمی کنم بوضعیات زیادتری لازم داشته باشد فقط تمنائی که از آقایان دارم این است که عوض این مباحثه بین الانتهین خوب است قدری توجه کنند در اصل مطلب و اینکه هوا فوق - العاده گرم است. آقایان احساس می کنند که طرز کار کردن بواسطه گرمی و اچطور است و بطور کامل ممکن نیست پیشرفت کند.

از طرف دیگر در ایام محرم چند روزی تعطیل طبیعی خواهد بود و بعلاوه مطابق قانون اساسی هم ماحق تعطیل داریم و بنده تصور می کنم اگر این مدت کمی که در این جا پیش بینی شده تعطیل بشود خیلی خوب است دیگر بسته بنظر آقایان است.

رئیس - آقای حشمتی مخالفید؟

حشمتی - بلی.

رئیس - بفرمائید

حشمتی - اگر بنا شود ما گرما را مأخذ تعطیل مجلس قرار دهیم باید در تمام ممالک گرم سیر اصلا مجلس نباشد و بنده تصور می کنم خود گرمای زیاد موجب ایجاد این پیش نهاد شده والا امروزه که مجلس این قدر کار دارد قانون میزنی

در پیش است.

بودجه های مملکتی در کمیسیون است قانون انتخابات که ۳ ماه دیگر باید شروع شود هیچکدام هنوز به مجلس نیامده و تکلیفش معین نشده آن وقت چه طور می توان مجلس را تعطیل کرد.

بعلاوه یک پیش آمد های دیگری که نظیرش را امروز صبح آقای تقدی زاده - مصدق السلطنه فرمودند ممکن است اتفاق بیفتد از این گذشته ما از ملت و مملکت پول می گیریم برای این که بیایم و کار کنیم نه اینکه برویم آب خنک بخوریم. پس حالاً که میخواهیم تعطیل کنیم خوب است این مدت را حقوق نگیریم والا بنده کاملاً مخالفم و به همین جهانی که عرض کردم از جهت سیاست مملکت هم هیچ صلاح نمی دانم مجلس را تعطیل شود و بیش از این هم لازم نمی دانم چیزی عرض کنم.

(جمعی از نمایندگان گفتند)

مذاکرات کافی است و جمعی دیگر کافی نمی دانستند)

رئیس - رأی می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمائید.

(جمع کنیری قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است.

پیشنهاد آقای طهران قرائت میشود.

(باین عبارت خوانده شد)

این بنده پیشنهاد میکنم که از بیستم ذیحجه تا بیستم محرم تعطیل شود.

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای طهران آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید.

(چند نفر قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای کازرونی قرائت میشود.

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم از غره محرم تا یازدهم شهرمذکور تعطیل باشد.

رئیس - آقای کازرونی

(اجازه)

کازرونی - بنده قطع دارم تعطیلی که آقایان خواسته اند برای گرمای نیست زیرا در دوره چهارم آقایان با قائم مقامشان بودند بدون اینکه تعطیل بخواهند نخواستند و کار کردند و هیچوقت هم از گرمای فرار نکردند.

علاوه گمان نمی کنم آقایان همین که مجلس را تعطیل کردند یک جای سرد و فرحناک دیگری بهتر از مجلس در نظر داشته باشند که در آنجا پروند و برای ملت کار کرده و انجام وظیفه نمایند بلکه مقصود آقایان این است که در ایام محرم اقامه عزاداری نمایند و این نظر آقایان هم خیلی خوب است و چون مقصود آقایان اقامه عزاداری است از اینجهت بنده پیش

نهاد کردم که از غره گرم تا یازدهم مجلس تعطیل شود و اگر بنا شود ما رأی بدهیم که مدتی مجلس تعطیل شود هزار کار لازم ممکن است پیش بیاید و امورات معوق خواهد ماند.

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای کازرونی. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید.

(چند نفر قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(باین عبارت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که رأی در این لایحه بروز یکشنبه بتأخیر افتد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم با آقایانی که این پیشنهاد را کرده اند در خارج یک عرایضی عرض کردم از این جهت ضروری ندارد که رأی در این پیشنهاد موکول بروز یک شنبه شود تا آن وقت هم که از بین نبرود و آنروز هم اکثریت باز هست و رأی خواهند داد از اینجهت بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - یک نفر از امضاء کنندگان بنده هستم که دانسته و فهمیده امضاء کرده ام و هیچ سیاستی هم در اینجا منظور نیست و اگر سیاستی هم باشد تصور نمی کنم که آقای حشمتی بداندند و سایرین ندانند هیچ سیاسی در بین نیست و چیزی مغفی هم نیست. آقایان قانون اساسی این حق را بمجلس داده (نهایت بنده نمی دانم باجه لفظی تمیز کنم) منتهی تا حالا ما خردمان نمی خواستیم این اصل را اجرا کنیم و چون از مردم میترسیدیم نمی خواستیم اصل هشتم قانون اساسی را که این حق را بماداده تاکنون اجرا کنیم دما کوژی نباید کرد.

این یک حقی است که قانون اساسی بماداده نهایت با رستی در نظامنامه پیش بینی شده مادیه هم اگر این ماده را بطور نظام نامه پیش نهاد کنیم اسباب زحمت می شود لذا گفتم که امساله این مسئله را بعنوان ماده نظامنامه پیشنهاد نمیکنم و البته وقتی که نظامنامه بمجلس آمد در ضمن اصلاحات این مسئله هم پیش بینی و اصلاح خواهد شد.

بهر حال مسئله گرمای تابستان است ملاحظه بفرمائید راست است که ایام عاشورا هم دخیل است ولی این یک حق مشروع ما است که قانون اساسی بماداده حالاً ما از دو ماه و نیم و سه ماه هم صرف نظر کرده و به چهار روز تعطیل قناعت کردیم و این یک فتح بایی خواهد بود خود شاه زاده آقا سید یعقوب هم اگر در دوره ششم و کیل باشند قطعاً پیش نهاد خواهند کرد

که دو ماه و نیم تعطیل شود برای اینکه این فتح باب خواهد بود اما اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند بیاید برای روز یک شنبه گمان نمیکنم یک موضوعات خطرناکی در بین باشد که ایشان حرفهایشان را در بیرون بزنند اگر مطلبی دارند ممکن است همین جا اظهار کنند حقیقت امر خیلی ساده است.

مسئله گرمای تابستان است قانون اساسی هم بمجلس این حق را داده اگر قانون اساسی محترم است؟ همه موادش محترم است نه اینکه یک اصلش محترم است و نود و نه اصل دیگرش محترم نیست.

بعلاوه ممکن است مجلس فوق العاده هم در این ضمن تشکیل شود در خود قانون اساسی هم این مسئله پیش بینی شده است که در موازیم لازم و مهمه میتواند جلسه فوق - العاده تشکیل داد.

بنابراین گمان نمی کنم این تعطیل به هیچ جای دنیا سکنه رلطه وارد آورد و نزاعی هم در ارکان و تمامیت استقلال ایران فراهم نخواهد شد و بنده بالصر احره عرض میکنم که مقصود فقط شدت گرما است و هیچ چیز دیگری در بین نیست

رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمائید.

(چند نفر قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای سلطانی قرائت می شود.

سلطانی پیشنهاد بنده قرائت نشود.

رئیس - پیش نهاد آقای دست غیب قرائت می شود.

(باین عبارت خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم هفته یکروز مجلس باشد.

رئیس - آقای دست غیب

(اجازه)

دست غیب - بنده فرمایشات آقای تدین و سایر آقایان را تصدیق دارم و حقیقتاً هوا گرم است و نمی شود آنطوریکه باید و شاید در این گرمای کار کرد. این مراتب را خود بنده هم تصدیق دارم ولی عقیده شخص بنده این است که چون مجلس رو به آخر است اگر سال قبل بود بنده هم رأی میدادم

ولی چون مجلس رو به آخر میرود و یک کارهایی ناتمام است و انتخابات در پیش است و قوانین انتخابات هم باید تصویب شود و شش ماه قبل از اینکه مجلس باخبر رسد باید مقدمات انتخابات دوره جدید شروع شود از این جهت با در نظر گرفتن جمیع جهات بنده اینطور پیش نهاد کردم که در این مدت تابستان بواسطه گرمی هوا جلسه هفته یک روز تشکیل شود

منتهی جلسه را مختصر خواهیم کرد و دو ساعت کار میکنیم تا لافل چیزهای مهمی

که در پیش است از تصویب بگذرد.
و این هفته یکروز هیچ عیبی ندارد و اگر بنا باشد بیش از این جلسه باشد بنده مخالفم زیرا هوا گرم است و نمی شود کار کرد.

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که پیش نهاد آقای دست غیب را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. پیش نهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا.

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم از اول محرم تا بیستم محرم مجلس و کمیسیونها تعطیل باشد.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا.

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده عرض میکنم اینکه اصولاً آقایان نظر به تعطیل مجلس دارند آیا کمیسیونها هم باید تعطیل باشند یا خیر اگر مقصود اینست که کمیسیونها دائر باشد که اکثر آقایان باید هفته چهار پنج روز بکمیسیونها بیایند و گرمای صبح و عصر چندان فرقی ندارد سه شنبه و پنجشنبه هم تفاوتی ندارد

ولی اگر مقصود این است که کمیسیونها هم نباشند باید توضیح داده شود تا مطلب معلوم باشد.

بعلاوه هیچ کسی نکفت که مسئله سیاسی در بین است.

البته این یک حق مشروعی است که آقایان میخواهند حالا از آن استفاده کنند منتهی دیگران از آقایان التماس میکنند که چون قوانین مهمی از قبیل قانون معیزی و انتخابات و غیره همین طور موقوف مانده لذا این چهل روز تعطیل را بیست روز تقلیلش بدهند که آن بیست روز صرف تصویب قوانین بشود. البته معلوم است هوا گرم است و بنده هم از آقایانی که در این هوای گرم کار می کنند قدر دانی میکنم ولی عقیده بنده این است که چهل روز را آقایان به بیست روز تقلیل داده و این التماس را بپذیرند و آقایان امضاء کنندگان هم غالباً از رفقای خود ما هستند و نظریاتشان با ما یکی است و هیچ نظر سیاسی هم در کار نیست منتهی این چهل روز تعطیل را بعضی از آقایان تقاضا دارند به بیست روز تقلیل داده شود و اشکالی هم ندارد.

رئیس - رأی می گیریم پیش نهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. پیش نهاد آقای حشمتی.

(باین ترتیب قرائت شد)

پیش نهاد میکنم اگر آقایان نظر به تعطیل مجلس دارند مدت تعطیل را

را حقوق گرفته نشود.

رئیس - گمان میکنم همچو پیش نهادی باید برود بکمیسیون مبتکرات. پیش نهاد آقای کارزونی.

(باین عبارت خوانده شد)

بنده پیش نهاد میکنم از غره الی شانزدهم محرم مجلس و کمیسیونها تعطیل شود.

رئیس - البته آقایان متوجه اصل سی و چهارم قانون هستند که اگر فرضاً چهل روز یا دو ماه تعطیل شود هر وقت ده نفر از آقایان از بنده تقاضا کنند بنده میتوانم مجلس خصوصی را تشکیل بدهم و مجلس خصوصی هم میتواند مجلس را تشکیل بدهد. آقای کارزونی.

کارزونی - چون حقیقتاً بنده هیچ موضوعی برای این تعطیل نمی بینم در جواب دلائلی که آقایان اقامه می کنند که قانون اساسی بما این حق را داده است باید عرض کنم که قانون اساسی یک تکالیف و حقوقی هم از ما خواسته است آیا ما بآن حقوق عمل میکنیم که حالا این حق را بخواهیم اجرا کنیم؟! اگر ما بتمام مواد قانون اساسی عمل کرده ایم بنده این مورد را هم تصدیق میکنم که باید تعطیل شود لیکن ما چون کاملاً عمل نکرده ایم از این جهت بنده به این تعطیل عقیده ندارم. بعلاوه چیزی باخرد در دوره باقی نمانده قانون انتخابات باید تکلیفش معین شود تا وسائل انتخاباتش ماه بدوره جدیدمانند در تمام ایالات و ولایات معین شود و این قانون در کمیسیون مانده و باید هر چه زودتر تکلیفش معلوم شود. این است که بنده از آقایان استرحام می کنم که یا فشاری نکنند و از این تعطیل صرف نظر کنند و کم کم بنده خیال می کنم یک چیزی در کار است و مسئله ساده نیست در صورتیکه بدو آ خیال می کردم که قضیه خیلی ساده است

ولی حالا خیال میکنم ساده نیست از این جهت بنده با این تعطیل مخالفم و از آقایان استدعا دارم که اسباب زحمت درست نکنند.

رئیس - رأی گرفته می شود پیش نهاد آقای کارزونی

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(دو سه نفر قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم باصل پیش نهاد آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

دستور جلسه آتیه اولاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بدود و از دهم خرداد و تیر ماه - ثانیاً پیشنهادی که آقای ندین کرده اند.

پیشنهاد می کنند که دو فقره راپورت کمیسیون بودجه راجع با استخدام یک نفر

حداد متخصص برای مدرسه صنعتی دولتی و استخدام دکتر ملچار سکی برای مدرسه دندان سازی جزو دستور جلسه آتیه شود. باید استقراع شود که شش نفر از آقایان پس فردا حضور و الاحضرت شرفیاب شوند. (در این موقع استقراع بعمل آمده آقایان ذیل معین شدند)

آقا ملا فرج الله - آقای آقا شیخ محمد علی الموتی - آقای آقا میرزا محمد خان معظم - آقای هادی طاهری

رئیس - آقای طاهری جزو هیئت رئیسه هستند.

(مجدداً استقراع شد و آقایان ذیل معین گردیدند)

آقای سهراب خان آقای دکتر محمد خان مصدق - آقا شیخ عبدالرحمن.

رئیس - لایحه راجع بقرامین بی مدت هم جزو دستور جلسه آتیه خواهد بود.

مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی

حسین پیرنیا

منشی م. م. شهاب

منشی دکتر احتشام طباطبائی

صورت مشروح مجلس

یکشنبه چهاردهم تیر ماه

۱۳۰۴ مطابق ۱۳ ذیحجه

سنه ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای حسین خان پیرنیا تشکیل و صورت مجلس سه شنبه نهم تیر ماه را آقای آقا شیخ هادی طاهری قرائت نمودند.

رئیس - صورت مجلس مخالفی دارد یا نه؟

(گفته شد خیر)

رئیس - آقای ناصر ندامانی.

(اجازه)

ناصر ندامانی - البته آقایان نمایندگان در نظر دارند که در جلسه قبل یکی دو نفر از نمایندگان محترم راجع بکفترانس ژنو اظهاراتی کردند من جمله آقای تقی زاده (در نظر دارم) که در ضمن بیاناتشان بنگرانی افکار همون اشاره کردند و نمایندگان محترم را متوجه کردند با اهمیت مذاکره آنیکه در ژنو شده است.

همینطور که نماینده محترم اظهار کردند چون اغلب آقایان نمایندگان از جریان امر کاملاً اطلاع ندارند تصور میکنم این نگرانی از آن جهت ایجاد شده بود ولی نظر بمندرجات روزنامه ایران و مکتوبی که اخیراً از تبریز بنده رسید است و نطقی که آقای رئیس الوزرا در این موضوع کرده است.

بنظر بنده این مسئله چندان مهم نیست. یعنی ما میتوانیم این مذاکرات را کنار بگذاریم

بنظر بنده این مسئله چندان مهم نیست. یعنی ما میتوانیم این مذاکرات را کنار بگذاریم

بنظر بنده این مسئله چندان مهم نیست. یعنی ما میتوانیم این مذاکرات را کنار بگذاریم

بنظر بنده این مسئله چندان مهم نیست. یعنی ما میتوانیم این مذاکرات را کنار بگذاریم

بنظر بنده این مسئله چندان مهم نیست. یعنی ما میتوانیم این مذاکرات را کنار بگذاریم